

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

دهم نومبر ۲۰۱۴

عاشقِ تنها

دوست با استعداد و خوش قریحه ای، مطلب آهنگینی به نام شعر در فیسبک گذاشته بود؛ احساس خوشی به من دست داد و بیٹی کامنت وار به استقبالش سرودم. عادتاً خواستم آن بیت را با افزودن ابیاتی، در لباس یک شعر تکمیل کنم، که ذیلاً از نظرتان میگذرد:

بالتر از سرو چمن، سرو قد رعنا تو
امروز در شهر جنون، آوازه ای افتاده است
یکتا نگار سرکشم، از پای تو چون سرکشم
تا نام لیا میشود، نام تو بالا میشود
در عالم سود و زیان، سودی ندیدم جز زیان
خوب است هم شاعر توئی، در دلبری ماهر توئی
با عشوه و ایما به من، آموختی دل باختن
آواره صحرا شدم، مجنون شدم، رسوا شدم

سرو از خجالت خم شود، پیش قد و بالای تو
رسوا نمیخواهم ترا، گرچه منم رسوای تو
عنا صفت گر پرکشم، افتم همان در پای تو
یک شهر، یکجا میشود، مجنون تو، شیدای تو
سر میرود اما ز سر، کی میرود سودای تو
محبوب هر خاطر توئی، زیبا بود انشای تو
نشناختم ای گلبدن، رمز تو و ایمای تو
مغموم و ناپیدا شدم، در عشق ناپیدای تو

این نکته در شعر "اسیر" اینجا مکرر میشود

تو دلبر یکتای من، من عاشق تنهای تو

(م. نسیم «اسیر» - فرانکفورت، ۴ نومبر ۲۰۱۴ ع)